



شبکه‌ی مفاهیم اقتصادی

مؤلفین:

علی اصغر قائمی‌نیا

علی شکری

بسمه تعالی

سرشناسه : شکری، علی، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور : شبکه مفاهیم اقتصادی / مؤلفین علی شکری، علی اصغر قائمی‌نیا؛ به سفارش مرکز بسیج دانشجویی؛ مجری مرکز مطالعاتی کوثر
مشخصات نشر : تهران: سازمان بسیج دانشجویی: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری : [۴۴] ص: جدول، مصور (بخشی رنگی، نمودار)
شابک : ۵۳-۰-۸۲۹۰-۹۶۴-۹۷۸ ۳۰۰۰۰ ریال،
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه: ص ۴۴.
موضوع : اقتصاد - ایران
شناسه افزوده : قائمی‌نیا، علی‌اصغر، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده : سازمان بسیج دانشجویی
شناسه افزوده : مرکز پژوهشی آموزشی کوثر
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ش ۲ ف / ۱۸۰ HB
رده‌بندی دیویی : ۳۳۰
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۲۴۳۰۵۶۲



مرکز مطالعات و پژوهش‌ها

نام کتاب : شبکه مفاهیم اقتصادی
مؤلفین : علی‌اصغر قائمی‌نیا، علی شکری
ناشر : مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی
نوبت چاپ : اول
سال و محل نشر : تهران، آبان ۱۳۹۰
چاپ، لیتوگرافی و صحافی: شادریگ
صفحه‌آرایی : علی‌اکبر هدایتی
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
قیمت : ۳۰۰۰ تومان
شابک : ۵۳-۰-۸۲۹۰-۹۶۴-۹۷۸ ISBN

هرگونه چاپ و تکثیر از این اثر ممنوع و به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان پیگرد قانونی دارد
نشانی: خیابان طالقانی تقاطع شهید مفتاح - مجتمع فرهنگی دانشجویی ۱۳ آبان

تلفن: ۸۷۵۵۱۲۹۶ و ۸۸۲۸۱۵۵۶

شناخت علم اقتصاد و عوامل موثر در روابط اقتصادی به جهت نقش تعیین کننده اقتصاد در دنیای امروز ضروری است. اقتصاد به عنوان یکی از اصلی ترین حوزه های تأمین کننده منابع و مصالح کشور نیازمند توجهی ویژه و در خور است و میزان اثرگذاری آن بر سایر حوزه های کلان کشور این نیاز را دوچندان کرده است. نامگذاری امسال به عنوان " جهاد اقتصادی " از سوی رهبر حکیم و فرزانه انقلاب و توصیه های مکرر ایشان در خصوص لزوم انجام فعالیت جهادگونه در این حوزه با عنایت به وضعیت ویژه نظام نوپای جمهوری اسلامی و تهدیدات مترتب به آن، لزوم آشنایی دانشجویان بسیجی را با مفاهیم اولیه و نیز شناخت آنها از قواعد جاری بر حوزه را آشکار می سازد. کما اینکه ایفای نقش دانشجویان در حوزه های گوناگون فعالیت آنها نیازمند شناختی اصولی و منطقی می باشد. کتاب "شبکه مفاهیم اقتصادی" تلاشی است با هدف شناخت کلیاتی از علم اقتصاد و روابط جاری اقتصادی دنیا.

مرکز مطالعات و پژوهش ها

فهرست

۱	مقدمه
۵	انسان اقتصادی (Homo Oeconomicus)
۵	لیبرالیسم اقتصادی (Economic Liberalism)
۷	عقلانیت (Rationality)
۸	مطلوبیت (Utility)
۱۱	محیط اقتصادی
۱۱	کمیابی (Scarcity)
۱۱	هزینه‌ی فرصت (Opportunity Cost)
۱۲	بده - بستان (Trade-off)
۱۳	تعامل (Interaction)
۱۳	رقابت (Competition)
۱۴	همکاری (Cooperation)
۱۵	بازار (Market)
۱۷	عرضه (Supply)
۱۸	قیمت (Price)
۲۰	تقاضا (Demand)
۲۱	ارزش (Value)
۲۲	تعادل (Equilibrium)
۲۳	سرمایه (Capital)
۲۵	نرخ بهره (Interest Rate)
۲۶	نیروی کار (Labour Force)
۲۷	پول (Money)
۲۸	تورم (Inflation)
۲۹	نرخ ارز (Exchange Rate)
۳۱	اطلاعات (Information)
۳۲	رانت (Rent)
۳۳	عرضه‌کنندگان رانت
۳۳	تقاضاکنندگان رانت
۳۴	کالای عمومی (Public goods)
۳۵	رفاه (Welfare)
۳۸	مدل اقتصادی
۳۸	سیاست‌گذاری اقتصادی (Economic Policy Making)
۴۰	سیستم اقتصادی (Economic System)
۴۱	زمان (Time)
۴۳	جمع‌بندی
۴۴	منابع

مقدمه

علوم اجتماعی بر مبنای نیازهای اجتماعی انسان شکل گرفته است و از این منظر فراگیری آن متعلق به قشر خاصی از جامعه نیست و عمومیت دارد. به ویژه قشر نخبه‌ی هر جامعه که تصمیم‌گیران و سیاست‌گزاران آن در مقاطع و گلوگاه‌های حساس تاریخی هستند، بدون کسب معرفت کافی در مورد علوم اجتماعی ممکن است منجر به انحراف مسیر حرکت جامعه شوند و هزینه‌های سنگین اجتماعی به بار آورند. یکی از مهم‌ترین این علوم، علم اقتصاد است که در یک دید کلی به بررسی تعاملات اقتصادی انسان‌ها می‌پردازد.

تعاریف متعدد و متنوعی در مورد این علم ارائه شده است که فصل مشترک تمامی این تعاریف، تعریف زیر است:

علم اقتصاد^۱ مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع آنها بین افراد مختلف است.

در این تعریف دو مفهوم بسیار اساسی اقتصاد نهفته است. اولین مفهوم، کمیابی^۲ است و اینکه کالاها محدودند و مفهوم دوم کارایی است. کمیابی به این معناست که مردم بیش از آنچه جامعه قادر به تولید آن است تقاضا می‌کنند، از این رو کالاهای اقتصادی کمیاب هستند و رایگان به دست نمی‌آیند و جامعه باید بین کالاهای محدودی که با استفاده از منابع قابل دسترس امکان تولید آنها را دارد دست به تولید بزند. کارایی^۳ نیز به این معناست که با توجه به فرض کمیابی و خواسته‌های نامحدود، اقتصاد

۱. در این نوشتار هر جا از «علم اقتصاد» استفاده شده، نگاه جریان پوزیتیویستی به اقتصاد منظور شده است و هر جا «دانش اقتصاد» بکار رفته، مراد نگاهی فراتر از نگاه جریان پوزیتیویستی به اقتصاد می‌باشد.

2. Scarcity

3. Efficiency

باید از منابع خود بهترین استفاده را به عمل آورد. به عبارت بهتر کارایی دلالت بر کارآمدترین استفاده از منابع جامعه در جهت ارضای خواسته‌ها و احتیاجات مردم است. در واقع نقش اصلی علم اقتصاد آگاهی به مفهوم کمیابی است و پس از آن باید مشخص کرد که چگونه جامعه در مسیری سازماندهی شود که کارآمدترین استفاده از منابع خود را به عمل آورد. از این رو در این فرآیند و جهت دستیابی به موارد ذکر شده، هر جامعه باید راهی برای پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی سازمان اقتصادی داشته‌باشد: چه کالایی تولید شود و به چه میزان؟

این کالاها چگونه تولید شوند؟

کالاها برای چه کسانی تولید می‌شوند؟

در رابطه با سؤال اول فارغ از اینکه چه کسی باید تعیین کند چه چیزی تولید شود جامعه باید تصمیم بگیرد که چه کالایی و چه تعداد تولید شود؟ تعیین کند که در حال حاضر تعداد بیشتری کالاهای سرمایه‌ای تولید شود یا کالاهای مصرفی و یا بالعکس؟

در رابطه با سؤال دوم این نکته ضروری است که این کالاها چگونه و با چه روشی تولید شوند؟ چرا که در فرآیند تولید هر محصول منابع متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند که اغلب قابلیت جایگزین شدن با یکدیگر را دارند. یک محصول می‌تواند با به کارگیری حداقل ماشین‌آلات و حداکثر استفاده از نیروی کار تولید شود و یا بالعکس. از این رو انتخاب بهترین روش بسیار حائز اهمیت است.

در رابطه با سؤال سوم نیز باید به این نکته توجه شود که این کالاها برای چه کسانی تولید شده و توسط چه کسانی مصرف می‌شوند؟

قابل ذکر است که در پاسخ‌گویی به این سه سؤال، جوامع مختلف از طریق نظام‌های متفاوت اقتصادی سازماندهی شده و از طریق این نظامات به این سه سؤال پاسخ می‌دهند. البته معمولاً برای پاسخ‌گویی به این سه سؤال، بین دو روش متفاوت سازماندهی، تمایز قائل می‌شوند. روش اول اقتصاد بازار^۱ است که بر اساس آن اشخاص و بنگاه‌های خصوصی و به عبارت بهتر نیروهای بازار مهم‌ترین تصمیمات را در مورد تولید و مصرف اتخاذ می‌کنند. در روش دوم اقتصاد دستوری^۲ است که دولت در آن مهم‌ترین تصمیم گیرنده اقتصاد است و تصمیمات اقتصادی را به کسانی که در پائین‌تر از نردبان قدرت هستند ابلاغ می‌کند. البته قابل ذکر است که هیچ‌یک از جوامع تاکنون نتوانسته‌اند به یکی از این نظامات به‌طور کامل دست یابند و همیشه دارای اقتصاد مختلط با عناصری از اقتصاد بازار و دولتی بوده‌اند.

نهایتاً در شکل زیر می‌توان در یک نگاه کلی اصول اساسی نظام اقتصادی سرمایه‌داری را مشاهده نمود که در روشن‌شدن بهتر فضای این موضوع موثر است:

1. Market economy
2. Normative economy